

نامه سرگشاده به رئیس جمهور

" احزاب سیاسی را آزاد گذارید "

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلام ایران

با سلام در هفته اول شهریور ماه در مصاحبه‌ای که با چند تن از معاونان صدا و سیمای جمهوری اسلامی داشتید، و متن آن در روزنامه‌های کثیرالانتشار درج گردید، سخنان متنوعی در زمینه مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیان نمودید که هر یک به جای خویش در خور تأمل و بررسی می‌باشد. از جمله، در بُعد سیاسی و درباره تحزب در ایران مطالبی در آن مصاحبه مطرح شد که برای نهضت آزادی ایران به عنوان یک حزب سابقه‌دار سیاسی بیشتر جلب توجه می‌نمود.

اگر تا دیروز گروههای فشار به بهانه جنگ مانع اجرای اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی که فعالیت احزاب و گروهها و اجتماعات و مطبوعات را علی‌الاصول آزاد می‌داند، می‌شدند، شایسته نیست مقامی که قانوناً پاسدار حرمت قانون اساسی یعنی تنها میثاق و شرط بیعت مردم با حکومت می‌باشد، به تأویل و تفسیر شخصی قانون بپردازد.

شما درباره تعارض بین تبعیت مطبق از ولی فقیه و ماهیت شورایی و اکثریت‌پذیر نظام حزبی بیان داشته‌اید:

اگر حزبی تشکیل شود و در مباحثات حزبی به سیاست و جمع‌بندی برسد که این سیاست با سیاست ولی فقیه که حاکم بر همه برنامه‌هاست و در قانون اساسی هم گفته شده است که سیاست‌های کلی را ولی فقیه باید معین کند مغایرت داشته باشد، چگونه می‌تواند عمل کند؟

این در حالی است که قانون اساسی حد مرز هر یک از نهادهای قانونی کشور را معین کرده و بدون آن که احزاب را ابزار توجیه‌کننده سیاست‌های حکومت بشمارد، مجاری اعمال قدرت و سیاست‌گذاری کشور را به صراحت روشن نموده است.

احزاب و گروهها و شخصیت‌های سیاسی، در یک نظام آزاد، حق دارند، نظرات و مواضع کلی خود را تدوین و تنظیم نموده و به معرض افکار عمومی مردم قرار بدهند. این مواضع لزوماً نَبایستی تأیید نظرات و سیاست‌های کلی حاکمیت باشد و یا حاکمیت موظف به تمکین از آنها باشد. اگر مردم از مواضع و سیاست‌های یک حزب سیاسی حمایت کردند و آن حزب موفق به کسب اکثریت در مجلس گردید و نظرات کلی آن حزب مغایر با نظرات رهبری بود، طبیعی است که مصلحت نظام و حاکمیت قبول داده مردم است نه قرار گرفتن در برابر خواست مردم.

جناب آقای رئیس‌جمهور،

اگر نگرانی جنابعالی از تعارض نظرات و برنامه‌های احزاب سیاسی با منویات مقام ولایت فقیه به خاطر احتمال اختلال در تمرکز سیاست‌گذاری می‌باشد، چنین تعارضی به طریق اولی با مجلس که باید

مستقل و مرکز سیاست‌گذاری کشور باشد، بیشتر ایجاد خواهد شد.

قائل شدن جایگاه ویژه و ممتاز برای هر یک از نهادهای تعیین شده در قانون اساسی، بیش از آنچه در قانون مشخص و محدود گردیده است، موجب تضعیف اراده ملی و نهادهای مردمی گشته، نتیجه آن جدایی حکومت از مردم و پیامدهای ناگوار ناشی از آن خواهد بود.

در بخشی از مصاحبه آمده است: «البته حزب را من لازم می‌دانم. الآن به جای احزاب باندها عمل می‌کنند». جنابعالی که خود از ابتدای انقلاب در بالاترین مراکز تصمیم‌گیری حضور فعالانه داشته و در اداره و راهبری جنگ هشت‌ساله و اقتصاد به تنگنا رسیده فعلی نقش کلیدی و اساسی داشته‌اید، اگر وجود احزاب را لازم و ضروری و خود را موظف و مجری پیاده کردن قانون اساسی می‌دانید، چگونه تاکنون وجود باندهای قدرت را معارض با قدرت متمرکز ولایت ندانسته و زمینه فعالیت احزاب مستقل و معتقد به نظام جمهوری اسلامی و ملتزم به قانون اساسی را فراهم نساخته‌اید؟

مردم می‌پرسند که اگر بیانات ریاست محترم جمهوری فراتر از شعارها و تبلیغات و تعارفات سیاسی است، چرا تاکنون وزارت کشور از اجرای کامل و بیطرفانه قانون احزاب سرباز زده است؟ در حالی که به هیچ یک از احزاب سیاسی غیروابسته به حاکمیت و بیرون از آن امکان فعالیت داده نشده است، وزارت کشور هر از گاهی برای انحراف افکار عمومی، با اعلام صدور پروانه برای انجمنها و اتحادیه‌های صنفی وابسته به گروهها و باندهای درون حاکمیت، تظاهر به آزادی احزاب و اجتماعات می‌نماید. آیا پس از گذشت ۸ سال از پایان جنگ، جواب روشنی در این مورد برای مردم وجود دارد؟

جناب آقای رئیس‌جمهور،

ما بر آن نیستیم که تلاشها و تبلیغات جنابعالی و بعضی از همکارانتان را در هیأت دولت در امر سازندگی مملکت نادیده بگیریم ولی سخت معتقدیم که بدون تأمین حقوق و آزادیهای مصرح در قانون اساسی، بدون برگزاری انتخابات آزاد و سالم و تشکیل مجلس منبعث از آرای واقعی مردم و بدون تأمین و تضمین آزادی قلم و بیان و مطبوعات و احزاب، تأمین عدالت اجتماعی و توسعه همه‌جانبه امکان‌پذیر نخواهد بود و سازندگی هرگز مستمر و پایدار نگردیده، با تغییر شرایط و اشخاص دگرگون خواهد گردید.

اگر در ایران احزاب مستقل و آزاد نتوانسته‌اند پا بگیرند و گسترش یابند، عیب از فلسفه تحزب نیست و گناه آن تنها بر گردن احزاب و متفکران سیاسی نمی‌باشد، بلکه گناه اصلی متوجه دولت‌هایی است که با جلوگیری از تشکل احزاب مستقل یا ایجاد مزاحمت در فعالیت آنها و با استبداد و انحصارگری و یا با تشکیل احزاب دولتی و فرمایشی و وابسته، این نهال را میدان رشد و نمو نداده‌اند.

این سخن شما که: «ما از دمکراسی غربی کپی نمی‌گیریم و عمل نمی‌کنیم»، در جای خویش سخن حق و نیکویی است، اما آیا تجربه تلخ حکومت‌های تک‌حزبی و شکست نظام‌های توتالیتر شرقی نیز نباید مورد توجه و بازنگری قرار گیرد؟ تحزب قبل از آنکه فرآورده شرق یا غرب باشد، دستاورد تجربه بشری و ابزار مکانیسم مشارکت مردم در سرنوشت خویش است. نظام پارلمانی بدون حضور و فعالیت جدی و آزادی احزاب سیاسی ناقص است. تنها با تشکل منسجم فکری است که افکار و نظرات متناسب با شرایط اجتماعی برای غلبه بر معضلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بارور می‌گردد.

جناب آقای رئیس‌جمهور:

زاممداران فراوانی بر این مرز و بوم حکم رانده‌اند. همان‌گونه که شما درباره زمامداران قبل از انقلاب و پیش از آن قضاوت می‌کنید، آیندگان نیز درباره شما قضاوت خواهند کرد، آنچنان که نخستین پیشوای بر حق، امام متقیان، در ابتدای عهدنامه خود به مالک اشتر که او را برای اداره سرزمین پنهاور مصر به آن دیار می‌فرستاد فرمود:

«فان الناس ينظرون في امورك في مثل ما كنت تنظر في الامور الولاه من قبلك».

پس در ماههای آخر دوران ریاست جمهوری، قبل از آن که باز هم فرصت از دست رود، تا آنجا که توان دارید برای تحقق سوگندی که خورده‌اید در راه اجرای همه‌جانبه قانون اساسی، بویژه تأمین حقوق و آزادیهای ملت، گامهای اساسی بردارید تا شاید نام نیکی از شما باقی بماند.

نهضت آزادی ایران

شهریور ماه ۱۳۷۵